



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان در مسئله یازدهم از فصل ششم از فصول کفاره روزه بوده و عرض کردیم که اگر کسی روزه را آغاز کند و سپس آن را بشکند ولی بعدا مانعی ایجاد شود مثلا به سفر رود و یا حائض شود آیا کفاره به گردنش می باشد یا نه ؟ گفتیم که روزه به معنای امساک مستمر است که از طلوع فجر تا مغرب ادامه دارد و این امساک باید خالی از موانعی همچون حیض ، نفاس ، جنون ، مرض و سفر و امثال آن باشد . عرض کردیم عده ای از فقهای ما فرموده اند ؛ خداوند می دانسته که او به دلیل عذری نمی تواند روزه بگیرد از این رو فی علم الله او مکلف به روزه نبوده است و اگر خداوند به او امر کند و حال آنکه می داند او نمی تواند از عهده این تکلیف بر آید این تکلیف از باب تکلیف به محال می شود و در ما نحن فیه هم اگر فرد صائم قبل از بروز مانع روزه را بشکند فقط تجری کرده است و کفاره ای به گردن او نیست و به قول شیخ انصاری (ره) فقط تجری کاشف از آن است که او انسانی است لا ابالی که خبث باطن دارد ولی محقق خراسانی در کفایه قائل است که متجری عقلا مستحق عقاب است و عقلا فرقی بین متجری و شراب خوار نیست زیرا هر دو مطابق علم خود دست به گناه می زنند و اینکه در خارج آب در آید یا واقعا شراب باشد در اختیار فرد نیست از این رو هر دو مستحق عقابند .

و اما عده دیگری از فقهای ما گفته اند که او در ماه رمضان است و این ماه هم باید محترم شمرده شود و او جزء من شهد الشهر فلیصمه است و ماه رمضان را درک کرده است لذا مکلف است که بعد از طلوع فجر روزه را شروع کند و حال آنکه او این کار را نکرده است و وظیفه ی خود را عمدا به هم زده است لذا کفاره ماه رمضان به دلیل شکستن حرمت ماه رمضان است که او هم همین کار را کرده است از این رو غالب فقها قائل به لزوم کفاره شده اند .

به هر حال مسئله روشن نیست و به همین دلیل بین علمای ما همانند علمای عامه در این مسئله اختلاف نظر وجود دارد ، جمعی مطلقا قائل به عدم کفاره شده اند و جمعی مطلقا قائل به کفاره شده اند و جمعی هم قائل به تفصیل شده اند و گفته اند که اگر مانع از جانب خدا باشد (مانند جنون و یا حیض) کفاره نیست ولی اگر از جانب خودش باشد کفاره وجود دارد خصوصا در جایی که به قصد فرار از روزه به مسافرت رفته تا روزه را به هم یزند بنابراین ما ناچاریم اقوال فقها را نقل کنیم تا بعد ببینیم نظر خودمان چیست .

علامه در منتهی جلد ۹ ص ۱۹۷ می فرماید : « مسئله : أی الأضناف تجب بفعله الکفارة ؟ فلو فعل صنفا تجب به الکفارة ثم سقط فرض الصوم فی ذلک الیوم بسفر او حیض او جنون او إغماء قال الشیخ : (در خلاف ج ۲ ص ۲۱۹ مسئله ی ۷۹ و در مبسوط ج ۱ ص ۲۷۴) لا تسقط الکفارة و به قال مالک و ابن ابی لیلی و احمد و اسحاق و أبو ثور و داود و قال أبو حنیفه : تسقط و قال الثوری تسقط و للشافعی قولان و قال زفر : تسقط بالجنون و الحیض دون السفر . لنا أنه أوجد المقتضى و هو الهتك و الإفساد بالسبب الموجب للکفارة فیثبت الأثر و المعارض و هو العذر لا یصلح للمناعية إذ لم یزل الهتك و الإفساد المتقدم و لأنه معنی طرء بعد وجوب الکفارة . إحتج المخالف : هذا النوع خرج بالمرض و الحیض من إستحقاق الصوم و قول أبی حنیفة لا یخلو من قوة لأنه فی علم الله غیر مکلف بصوم ذلک الیوم و الأقرب الأول (باید کفاره بدهد) . البتة این مطلب که هتک روزه رمضان موجب کفاره می شود یا نه محل بحث است که آقای خوئی مفصلا در مستند العروة درباره آن بحث کرده است و حضرت امام (ره) و اکثر فقهای ما در اینجا فتوی نداده اند بلکه احتیاط کرده اند ، و خود علامه که در منتهی چنین فرموده در

مختلف و تذکره خلاف آن را فرموده است ، مختلف کتابی است که در آن مسائلی که بین علمای شیعه محل اختلاف است را ذکر شده است ولی در خلاف شیخ طوسی مسائلی که میان ما و عامه محل اختلاف است بیان شده است .

علامه در مختلف الشیعه جلد ۳ ص ۳۱۸ مسئله ۶۲ می فرماید : « من فعل ما یوجب علیه الکفارة فی اول النهار ثم سافر أو مرض مرضا یبیح له الإفطار أو حاضت المرأة فان الکفارة لا تسقط عنه بحال و ادعی فی الخلاف علیه اجماع الفرقة (که کفاره لازم نیست) و قیل بالسقوط حکاه المحقق فی شرایع الاسلام » ، سپس ایشان تفصیل می دهد که اگر این عذر از جانب خداوند باشد کفاره ندارد و الا کفاره دارد و سپس اضافه می کند که اجماعی که شیخ ادعا می کند نزد ما ثابت نیست زیرا این اجماع مدرکی است و کاشف از قول معصوم نمی باشد ، ایشان در تذکره هم همین قول را انتخاب کرده است . محقق در شرایع در مسئله ۱۱ گفته است ؛ فرع : « من فعل ما تجب به الکفارة ثم سقط فرض الصوم بسفر او حیض و شبهه قیل تسقط الکفارة و قیل لا و هو الأشبه » .

صاحب جواهر در ج ۱۷ ص ۲۲۳ ابتدا کلام شرایع را نقل می کند تا می رسد به عبارت : « قیل تسقط الکفارة » بعد می فرماید : « و اختاره الفاضل فی جملة من کتبه إن لم یکن فعل المسقط للتخلص منها و قیل كما فی فوائد الشرایع تسقط... و قیل لا تسقط مطلقا كما هو خیرة اکثر بل فی الخلاف الاجماع علیه و هو الاشبه لذلك » ، یعنی صاحب جواهر به دلیل اجماع شیخ طوسی در خلاف قائل به کفاره شده است که ما عرض کردیم این اجماع چونکه مدرکی است لذا مورد قبول نمی باشد . بقیه بحث بماند برای جلسه بعد

....

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله

علی محمد و آله الطاهیرین